



## خلیج فارس و تحریم‌های سه گانه انگلیس<sup>۱</sup> (۱۷۷۸-۱۹۱۴م)

### توضیح:

ناسیونالیسم عربی از زمان شکل‌گیری تاکنون تأثیر بسزایی در منطقه خاورمیانه داشته که گاه موجب اتحاد قومی و منطقه‌ای و گاه زمینه‌ساز بحران‌های جدی بین‌المللی شده است. نام خلیج فارس یکی از مسائلی است که اعراب متأثر از ناسیونالیسم عربی، واقعیتی تاریخی را نادیده گرفته و به ناروا نام جعلی خلیج عربی بر آن نهاده‌اند و از مدتها پیش در تلاش برای زمینه‌سازی فرهنگی - تاریخی کتابهای بسیاری درباره خلیج فارس با نام مجعول خلیج عربی منتشر کرده‌اند.

از سوی دیگر دولتهای حاشیه خلیج فارس، همچون دیگر کشورهای نوظهور منطقه در تلاش برای هویت‌یابی، بجای پذیرش واقعتهای تاریخی و ارائه تعریفی نوین از خویش، با تحریف واقعتهای، کوشیده‌اند، افتخارات ملی و فرهنگی ایران را به نام خویش ثبت و قلمداد کنند، البته اسناد و مکاتبات بین‌المللی و مجامع علمی معتبر هیچگاه پذیرای ادعاهای آنان نبوده و نخواهد بود.

کتاب حاضر یکی از مجموعه‌هایی است که از این فضا متأثر شده و گویا امارات متحده عربی با انتشار چنین کتابهایی از سوی خواهان رفع «اتهام» دزدی و غارتگری از قواسم

۱. عنوان کتاب: الخلیج العربی و المحرمات البریطانیة الثلاث (۱۷۷۸-۱۹۱۴م)

است و از سوی دیگر با طرح ادعاهای بزرگ همچون حاکمیت قواسم بر بندرعباس و غیره، گوشه چشمی به مسأله جزایر سه گانه ایرانی داشته است. این دو مسأله محور اساسی مطالب کتاب بشمار می‌رود.

تاریخ خلیج فارس و حوزه پیرامونی آن یکی از زمینه‌هایی است که به ویژه در چند دهه اخیر تحقیقات زیادی حول آن صورت گرفته و مراکز متعدد در کشورهای مختلف با انگیزه‌های علمی و یا سیاسی سعی در ایجاد ادبیات خاص خود را داشته‌اند. یکی از این مراکز که در این زمینه فعالیت‌هایی داشته است «مرکز زاید للتراث و التاریخ» در امارات عربی متحده می‌باشد و کتابی که قصد معرفی و نقد آن را داریم کتابی است با عنوان «خلیج [فارس] و تحریم‌های سه گانه بریتانیا» که توسط دکتر عبدالوهاب احمد عبدالرحمن نگارش یافته است.

نویسنده در مقدمه به بررسی ورود بریتانیا به منطقه خلیج فارس که در قالب کمپانی هند شرقی صورت گرفت پرداخته است. وی معتقد است که تا سال ۱۸۶۲ م بریتانیا جهت‌گیری اصلی فعالیت‌هایش را مسائل اقتصادی قراردادده بود و سعی در گسترش نفوذ و توان خود در دریا و سواحل منطقه داشت و در امور داخلی منطقه‌ای که امروزه امارات عربی متحده نام گرفته دخالتی نمی‌کرده است. نویسنده تغییر جهت سیاست‌های بریتانیا را از این سال در منطقه خلیج فارس از مسائل تجاری به مسائل سیاسی موکول به دو عامل می‌کند:

۱. تلاش‌های فرانسویان برای نفوذ در منطقه.

۲. تلاش‌ها و اقدامات درون منطقه‌ای و محلی و بخصوص قواسم.

در توضیح عامل اول وی با ذکر رقابت‌های بریتانیا و فرانسه از معاهدات بریتانیا با بعضی شیوخ منطقه نام می‌برد که هدف آنها سد کردن نفوذ فرانسویهاست و از «معاهدات الحلف» که معاهده‌ای است میان بریتانیا و سلطان بن احمد امام مسقط که در اکتبر ۱۷۹۸ منعقد شد به عنوان نمونه یاد می‌کند. وی در ادامه همکاری‌های امام مسقط و بریتانیا اشاره‌ای دارد به اجازه ایجاد مرکز تجاری در بندرعباس که وی آنرا از توابع امام مسقط می‌نامد که ذکر این نکته را لازم می‌نمایند که بندرعباس در برهه‌هایی از تاریخ دراجاره امام مسقط بوده و وی خراجگذار



حکومت مرکزی ایران بوده است.

در ادامه نویسنده زعمای قواسم را مورد تمجید قرار می‌دهد زیرا آنها مانع مداخله و نفوذ انگلیسی‌ها در امورات اعراب خلیج فارس شدند و اینکه آنها به این درک رسیده بودند که انگلیسی‌ها علی‌رغم اینکه به ظاهر اهداف خود را تجارت و اقتصاد معرفی می‌کند، ولی هدف آنها جز آسیب‌رساندن به مردم و سرزمین آنها و استعمار منطقه نیست. وی می‌نویسد که نیروهای عربی در امارت‌های خلیج فارس به رهبری قواسم و هم‌پیمانان آنها از قبایل دیگر عربی علیه بریتانیا حرکت‌هایی انجام دادند و کشتی‌های شرکت هند شرقی را در دریا مورد هجوم قرار دادند تا جلو استعمار را بگیرند و به انگلیسی‌ها نشان دهند که حاضر نیستند سیادت آنها را بپذیرند. وی عکس‌العمل نیروهای انگلیسی در برابر این اقدامات قبایل عرب را تلاش در جهت مقابله و جنگ با آنها و از بین بردن عظمت آنها که در نیروی دریایی قواسم تجسم و عینیت یافته بود می‌داند.

وی در ادامه می‌نویسد که انگلیسی‌ها این اقدام خود را تلاشی در جهت برقراری امنیت و آرامش و برقراری صلح در آب‌های خلیج فارس و تأدیب متمرمدین و خرابکاران نامیدند و اهالی سواحل عمان را «متهم» به دزدی دریایی و تجارت برده و تجارت سلاح کردند و این سه مقوله را بر آنها تحریم و ممنوع ساختند و انگلیسی‌ها برای مقابله با اقدامات قواسم که وی اقدامات آنها را دفاع مشروع می‌داند ۳ شعار و محور را مطرح ساختند.

۱. مبارزه با دزدی دریایی

۲. ممنوعیت و مبارزه با تجارت برده

۳. ممنوعیت تجارت اسلحه

وی سیاست بریتانیا در منطقه خلیج فارس در طول سال‌های ۱۹۱۴-۱۸۰۴ م را حول این سه مسأله ارزیابی می‌کند که به زعم وی محور اصلی کلیه فعالیت‌های نظامی و دیپلماتیک بریتانیا در منطقه بوده و هر یک از ۳ فصل کتاب را به بررسی یکی از این موضوعات اختصاص داده است. نویسنده در فصل اول اولین تحریم بریتانیا یعنی دزدی دریایی را تعریف کرده و به بررسی فعالیت‌های بحری قواسم در خلیج فارس پرداخته و موضع بریتانیا در قبال آن و اتهام بریتانیا به قواسم مبنی بر دزدی دریایی و تشریح دلایل و انگیزه‌های این «اتهام» را مورد بررسی قرار داده

است. وی در این فصل سعی در تطهیر قواسم از «اتهام» دزدی دریایی دارد. وی در صفحه ۶۹ و ۷۰ کتاب می‌نویسد که قبل از ورود انگلیسی‌ها به خلیج فارس، قواسم زندگی عادی خود را از طریق صید و تجارت و دریانوردی در خلیج فارس و اقیانوس هند می‌گذراندند و با ورود انگلیسی‌ها و شروع تجاوزات آنها شیوخ قواسم مکرراً به انگلیسی‌ها گفتند که آنها ارتباطی با دزدی دریایی ندارند و هیچ نوع دشمنی با انگلیسی‌ها نداشته و با آنها سرستیز ندارند. انگلیسی‌ها اتهامات مذکور را متوجه آنها ساختند.

وی با جدیت اقدامات قواسم را دزدی دریایی نمی‌داند و این اتهام را رد می‌کند. وی سپس این سؤال را مطرح می‌کند که آیا این اقدام قواسم در حمله به کشتیهای تجاری «جهاد» در راه خدا بوده یا نه؟ می‌نویسد که نامی که می‌توان بر این کار نامید «مقاومت مشروع در برابر حضور بریتانیا در خلیج فارس و حق طبیعی مردم منطقه برای اشتغال به دریانوردی و تجارت و از بین بردن قیودی می‌داند که کشتیهای بریتانیایی بر آنها نهاده بودند».

اما به نظر می‌رسد واقعیت به گونه‌ای دیگر بوده است. زیرا از اوایل قرن نوزدهم که آثار پیدایش برخی امارتهای کوچک در سواحل خلیج فارس بتدریج جلوه نمود بعضی از طوایف عرب مانند قواسم نیز به سواحل خلیج فارس فرود آمدند و کرانه‌هایی را که قواسم در آن ساکن شدند اروپائیان «سواحل دزدان دریایی» مینامیدند و قواسم مشهورترین و مهمترین قبیله دزد دریایی شمرده می‌شدند. اینرا نیز باید اضافه کرد که موقعیت جغرافیایی در بوجود آوردن هر یک از این امارتها تأثیر خاصی در برداشت مثلاً قبایلی که بر جزایر بحرین استیلاً یافتند بدلیل حاصلخیزی خاک و استعداد تجارت و وجود مروارید منبع حیاتی سرشماری برای ثروت و معیشت به شمار می‌رفت. در حالیکه قواسم از قبایلی بودند که در سواحل خشک و بی‌حاصل با سختی به سر می‌بردند و ضرورت زندگی آنها را ناگزیر ساخت که از راه حمله بر کشتیهای بازرگانی و چپاول کالاهای آنها بنام دزدان دریایی امرار معاش کنند.

قواسم در مقام مقایسه با سایر قبایل راهزن بر دیگران تفوق و برتری داشتند و هنگامیکه با وهابیها یعنی پیروان ابن سعود در سال ۱۸۰۳ هم‌پیمان شدند. راه را در مقابل خود برای حمله به کشتیهای دیگران و چپاول آنها جایز و بلکه آنرا از اعمال مشروع شمردند، چنانچه نویسنده نیز در صفحه ۶۷، ۶۸ از پیمان وهابی‌ها و قواسم یاد کرده و اینکه آنها هنگام حمله به کشتیها «تکبیر»



می‌گفته‌اند.

دزدیهای آنها تا حدی بود که یکی از افسران نیروی دریایی هندوستان کشتیهای بزرگ این راهزنان را به ۲۶ و کشتیهای کوچک آنها را به ۸۰۰ فروند تخمین زده که در منابع تاریخی این مسائل به طور مبسوط بیان شده است.<sup>۱</sup>

در فصل دوم نویسنده به بررسی تحریم دوم بریتانیا یعنی منع تجارت برده در خلیج فارس و شرق آفریقا پرداخته است و موضع بریتانیا را در این زمینه ارزیابی کرده است. و این فصل را با تعریف برده و برده‌داری آغاز کرده و به بررسی تجارت برده، مبدأ و مسیرهای آن در خلیج فارس و شرق آفریقا و آمارهای مربوط به برده‌داری و میزان و حجم تجارت برده پرداخته. وی در این فصل در نهایت می‌خواهد این نتیجه را بگیرد که این نوع تجارت بصورت منظم انجام نمی‌شده و به این میزانی که بریتانیا به تصویر کشیده نبوده و گروهها و یا شرکت‌های رسمی و یا نیمه‌رسمی اقدام به این عمل نمی‌کرده‌اند و بعضی از اعراب که به نامشروع بودن این کار آگاهی داشته‌اند، اقدام به این کار می‌کرده‌اند. همچنین معتقد است که مبارزه بریتانیا با تجارت برده در خلیج فارس و شرق آفریقا به لحاظ مسائل انسانی نبوده بلکه در ورای آن هدف نفوذ و سیطره در منطقه و اهداف اقتصادی و سیاسی در منطقه وجود داشته است و همچنین انگلیسی‌ها مقصد تبشیر مذهبی را نیز دنبال می‌کرده‌اند.

البته باید اذعان داشت که نظر اخیر نویسنده صحیح به نظر می‌رسد زیرا استفاده از بردگان در مزارع و کارخانجات مستعمرات انگلیسی به جای اینکه در خانه‌های ثروتمندان مشغول کار باشند، به منافع آن کشور کمک مؤثری نمود و اقداماتی که به منظور مبارزه با برده‌فروشی و جلوگیری از آن بعمل آمد در تحکیم استعماری نفوذ انگلیس در سرتاسر دریا‌های عالم تأثیر بسزایی بخشید. اما سید سعید امام مسقط در تجارت برده که یکی از مهمترین موارد ثروت آفریقای شرقی محسوب می‌شد با علاقمندی کامل می‌نگریست و وی بزرگترین تنظیم‌کننده تجارت برده محسوب میشد.

---

۱. برای اطلاع بیشتر ر.ک. به «تاریخ سیاسی خلیج فارس» صادق نشأت، شرکت نسبی کانون کتاب، فصل

ولی به هر حال حکومت انگلیس از این امتیاز (یعنی حق تفتیش کشتیها) در بسط نفوذ سیاسی و تجاری خود در کشورهای خلیج فارس و بحر احمر، با تحت نظارت قرار دادن کشتیهای بازرگانی استفاده کامل می‌برد.

فصل سوم نیز به منع تجارت سلاح اختصاص یافته است. وی معتقد است که تجارت سلاح در خلیج فارس پس از حضور نیروهای استعمارگر اروپایی بخصوص بریتانیا و فرانسه گسترش یافت و شرکت‌هایی که اقدام به تجارت اسلحه می‌نمودند، از سوی بریتانیا و فرانسه مورد حمایت قرار داشتند و رقابت ایندو نقش مهمی در تجارت اسلحه در خلیج فارس داشته است. وی همچنین تجارت سلاح از مسقط و امارات ساحل عمان را مورد ارزیابی قرار داده و اطمینان می‌دهد که تجارت سلاح در خلیج فارس نیز در آن حد و میزانی که بریتانیا ادعا می‌کرده نبوده است ولی بریتانیا این موضوع را نیز در کنار دزدی دریایی و برده‌داری قرار داد، و سعی کرد با توسل به این حربه با مردم منطقه که در مقابل آنها قیام کرده بودند ایستاده و مانع از رسیدن سلاح به آنها شود زیرا ممکن بود علیه خود آنها بکار گرفته شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

جدیدترین کتابهای منتشر شده

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

«از ساری میامث اسناد»

خوزستان در منتهای کهن

نوشته محمدباقر نجفی

\* \* \*

صدر بخارا

تحقیق و پژوهش: محمد جان شکوری بخاری

به اهتمام صفا اخوان

\* \* \*

روایت ایرانی جنگ‌های ایران و روس

حسین آبادیان

\* \* \*

توفان بر فراز قفقاز

نگاهی به مناسبات منطقه‌ای ایران و جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان و گرجستان

در دوره نخست استقلال ۱۹۲۱-۱۹۱۷

نوشته: کاوه بیات

\* \* \*

سفرنامه سیف‌الملک به روسیه

(شرح سفارت میرزا عباسقلی خان نوری سیف‌الملک به روسیه)

به اهتمام: محمد گلبن

جدیدترین کتابهای منتشر شده

مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه

«از سری مباحث اسناد»

تاریخ شفاهی افغانستان (۱۹۹۲-۱۹۰۰ میلادی)

به اهتمام صفا اخوان

\* \* \*

ایران و جنگ جهانی اول

(مجموعه مقالات سمینار)

به کوشش صفا اخوان

\* \* \*

فهرست اسناد مکمل قاجاریه (جلدهای ۱۴-۶)

تهیه و تنظیم: محمدحسن کاووسی عراقی

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

روایت ناگفته

بازنگاری خاطرات زنان تاجیک و افغان از جنگهای داخلی دهه اخیر

گلرخسار صفی

ویراسته صفا اخوان

\* \* \*

قرقیزها و خانان خوقند

ترجمه علیرضا خداقلی پور